

رستگاری - صفحه ۱۱۲

#تاریخ ادبیات:

ابوالقاسم فردوسی: صفحه‌ی ۱۷۷ کتاب درسی

#معنای لغات:

رهاند: رها کند / بیایدت جست: باید پیدا کنی / چو: اگر / یابی: بیایی / سر اندر نیاری: گرفتار نشوی / بوی: باشی، بشوی / گیتی: جهان / رستگار: آسوده، پرهیزگار، سعادت‌مند / نکوکار: نیکوکار / گردی: بشوی / بر: پیش، نزد / کردگار: خداوند / گفتار: سخنان / راه جوی: اطاعت کن، عمل کن / تیرگی: کار اشتباه و ناپسند / شوی: بشور / دیگر سرا: جهان آخرت / نزد: پیش / نبی: پیامبر (ص) / وصی: جانشین، منظور حضرت علی (ع) / گیر جای: جایگاه پیدا کن / بر این زادم: اینطور به دنیا آمدم / بگذرم: بمیرم / پی: پا / حیدر: لقب حضرت علی(ع)

#معنای شعر:

معنی بیت اول: دانش و دین تو را از هر حادثه‌ی خطرناکی کاملاً نجات می‌دهد؛ پس باید مسیر رهایی و نجات را جست و جو کنی.
معنی بیت‌های دوم، سوم و چهارم: اگر می‌خواهی از بدی‌ها دور باشی و گرفتار بلا و سختی نشوی، اگر می‌خواهی در دو جهان (این دنیا و آخرت) از بدی در امان باشی و در حضور خداوند، انسان خوب و ستوده باشی، به سخنان پیامبر خود [حضرت محمد(ص)] عمل کن و درون خود را از پلیدی‌ها و گناه پاک کن.
معنی بیت پنجم: اگر امیدواری و انتظار داری که در جهان آخرت، آسوده خاطر باشی، به گفتار پیامبر (ص) و جانشین وی [حضرت علی(ع)] عمل کن.
معنی بیت ششم: من به این عقیده و اعتقاد به دنیا آمدم و با همین عقیده خواهم مرد و تو آگاه باش که من از پیروان امیرالمومنین، حضرت علی (ع) هستم.

#آرایه‌ها:

بیت اول: درست ← مجاز از راه درست / در رستگاری جستن ← کنایه از راه خوشبختی و سعادت را رفتن / در رستگاری ← اضافه‌ی تشبیه‌ی / بیت دوم: رها و دام ← تضاد معنایی / دام بلا ← اضافه‌ی تشبیه‌ی (بلا مانند دام است.) / سراندر دام بلا نیاوردن ← کنایه از گرفتار دام بلا نشدن / بیت ۲ و ۳ و ۴ با هم موقوف المعانی هستند. / بیت چهارم: دل ← مجاز از تمام وجود / آب ← استعاره از سخنان پیامبر (ص) که شبیه آب، زلال است و سبب پاکی و تمیزی روح انسان می‌شود / پنجم: چشم داشتن ← کنایه از توقع و انتظار داشتن، امیدواری / بیت ششم: خاک پی حیدرم ← کنایه از تواضع و فروتنی بسیار

#نکات دستوری:

بیت اول: تو را ← مفعول / دانش و دین ← نهاد / بیایدت جست = تو باید جست و جو کنی ← ت ← نهاد / بیت پنجم: جمله‌ی اول(مصرع اول) ← تعجبی و جمله‌ی (مصرع دوم) ← امری / خاک پی حیدرم = من مثل خاک پای حضرت علی هستم ← م ← من، نهاد

قالب شعر: مثنوی